

جواب سازمان بین المللی کار "ILO"

چیست؟

اطلاعیه کمیته خارج کشور حزب
حکمتیست (خط رسمی) صفحه ۲

جامعه برای دستیابی به یک زندگی انسانی و مرفه، توسط بورژوازی محلی و بین المللی بر متن اجرای سناریوهای خونین و مرگ بار، خفه شد. راه حل و آلترناتیو و افق تغییرات ممکن در یک جامعه بورژوازی، پیروز شد! ژنرال السیسی دیروز و آقای سوسی امروز و بشاراسد انتخاب شدند و میشوند! مبارزه برای دموکراسی همین است که در مصر و سوریه به شکلی اتفاق افتاد و در ایران بشکل دیگر... صفحه ۳

های کارگری و کم درآمد؛ و سرانجام تداوم فرودستی اجتماعی زنان جهت حفظ امکان رقابت و تفرقه بیشتر در بازار کار. اینها دلایل اصلی کوشش آگاهانه و همه جانبه بورژوازی برای حفظ نهاد خانواده است. زن بدون شغل و در خانه علاوه بر بازتولید نیروی کار، نیروی عظیم کار ذخیره ای است که هر وقت نیازهای بورژوازی ایجاد کند، از زمان جنگ گرفته تا رونق در بازار و یا مواقعی که دستمزدها زیاد بالا رفته باشد، میتواند در کارخانه و سربازخانه و هر جای دیگر بکار گرفته شود... صفحه ۴

زنان در جنگی نابرابر!

مونا شاد

در روز ۱۴ آوریل (۲۵ فروردین)، ۲۷۶ دختر دانش آموز توسط بوکو حرام به گروگان گرفته شدند. چند تن از گروگان ها موفق شدند از دست آدم ربایان بگریزند. اما ۲۲۳ دختر هنوز اسیر بوکو حرام هستند. در زمان گروگانگیری، دانش آموزان بی دفاع در مدرسه خواب بودند.

تصویری از این دختران منتشر شده که با چشم هایی نگران و وحشت زده، همه حجاب دارند. به گفته بوکو حرام، همه دختران مسلمان شده اند. این خبر واکنش هایی را از سوی اسلام گرایان و اسلام شناسان تا کاخ سفید از سوی میشل اوباما را دربر داشت. اکنون گودلاک جانانان، رئیس جمهوری این کشور در پیامی تلویزیونی "جنگ تمام عیار" علیه جنگجویان بوکو حرام را اعلام کرده است. عده ای از مسلمانان و اسلام شناس جهان عرب و رهبران دینی برای منافع و نجات اسلام از زیر تیغ اینهمه ددمنشی و وحشیگری و خشم افکار عمومی در صدد آن برآمده اند که این عمل را قبیح بدانند... صفحه ۳

پیروزی دموکراسی مصر و سوریه

انزوی آمریکا ثیاشهانی

انتخابات در مصر به مرحله نهایی رسیده است. ژنرال السیسی بر خرابه های انقلاب شکست خورده مصر، با کشتار بیش از ۱۴۰۰ نفر و دستگیری ۱۶ هزار نفر، و با کشتاندن اقلیتی پای صندوق های رای، رینس جمهور مصر شد. در سوریه اما برپایی صندوق های رای و نشستن مجدد بشاراسد بر مسند قدرت، از اقبال بیشتری نسبت به مصر برخوردار است. فاجعه کشتار ۱۵۰ هزار نفره در سوریه، آوارگی سه میلیون غیرنظامی، و بر جای ماندن یک جامعه سرتاپا تخریب شده، برای بشاراسد موقعیت مناسب تری از السیسی

ایجاد کرده است. فاجعه هرچه عظیم تر، باطلاق هراندازه گودتر، و صحنه هرچه سیاه تر، صندوق های انتخابات پررونق تر است. مگر نه اینکه نهایت دموکراسی غربی، برپایی صندوق رای و انتخابات است! مگر نه اینکه نهایت دموکراسی غربی، کشتاندن هر چند سال یک بار مردم به پای صندوق های رای، به زور وعده های پوچ و توخالی است. در مهد دموکراسی های غربی هم، غالباً اقلیتی پای صندوق های رای میروند و در سیکل انتخاب بین بد و بدتر، و پشیمانی و سرخوردگی بعدی، چرخ میزنند. در سوریه و مصر، تلاش عظیم محرومین

وقتی به اتاق خواب "ملت" پامیگذارند!

فواد عبدالهی

و سرانجام رئیس جمهور مشعوف، صحیفه مقدس سیاست های کلی جمعیت را ابلاغ کرد: تحکیم بنیاد خانواده بر اصول و ارزش های اسلامی و تسهیل در رشد کمی جمعیت و باروری نسل صالح

خانم ای چند روز پیش اعتراف کرده بود که بحران زن خانگی دارند. مقام معظم گویا خواب تشریف داشته اند! سالهاست این داده مردم است که با توسل به قوانین اسلامی، به زور زندان و شکنجه گاه و اعدام و گشت خیابانی و دشنه و اسید و آپارتاید جنسی، نمیتوان قوی ترین خصیصه آن جامعه، یعنی عطش زنان و مردم تشنه آزادی و برابری و رفع تبعیض را پس زد و روانه خانه کرد؛ از این نظر، مدتهاست همه میدانند هویت و فرهنگ اسلامی به قیای آن جامعه نمی چسبید. در حقیقت طرح اخیر، کل میدیای تبلیغاتی رژیم، از جازدن مفسرین اسلامی و کارشناسان و مستشرقین تا زور دولت و پلیس و پاسبان، به بهترین وجه یخدمت گرفته شده اند تا بار دیگر حقه فرهنگ اسلامی را به ملت بندازند و موقعیت فرودست اقتصادی میلیونها انسان

حق نداری!

معدنچیان چغارت راه را نشان میدهند!

مصطفی اسدیور

اگر کسی میخواهد به قدرت واقعی طبقه کارگر در ایران پی ببرد باید به معدن آهن بافق و اعتصاب ۵۰۰۰ کارگر آن نگاه بیاندازد. با واگذاری سهام شرکت معدن به بازار بورس و پیچیدن خیر در معدن، کارگران کار را خوابانده و درها را قفل کردند. به همین سادگی! معدن متعلق به دولت است، مملکت قانون دارد و در آن هرگونه حرکت و اجتماع تا چه برسد اعتصاب ممنوع است؛ مملکت صاحب دارد شورای اسلامی و فرماندار و مجلس و امام جمعه و ...

در عوض کارگران با منطق ساده که ۴۰ سال است روی معدن کار میکنیم، روی سنگهایش از جانمان مایه گذاشته ایم و هیچ کس حق ندارد با زندگی ما بازی کند؛ مهر خود را بر رویدادها زدند. بزمحت میتوان یک عکس، یک گفتگو و یا یک گزارش از خود کارگران و از نزدیک در مجموعه سایت ها و رسانه ها یافت. اما شیخ این اعتصاب را از تهران تا بافق براحتی میشود لمس کرد. یکی پس از دیگری مصوبات و تصمیمات دولتی مربوط به کارخانه دود میشود به هوا میرود. امام جمعه شهر، استاندار و فرماندار، وزرای کار و صنایع، معاونت ریاست جمهوری و شورای اسلامی معدن هر کدام بارها بر حق بودن خواسته های کارگران را تایید کرده اند، وزیر کار رسماً همه خواسته های کارگران را گردن گذاشته است، مقامات مربوطه خصوصی سازی را تا جلب رضایت کارگران معلق ساخته اند. زیر سایه شیخ اعتصاب پرونده های دیگر جان گرفته اند، مقامات برای وعده های سالهای قبلیتر به کارگران در زمینه های دیگر، مجبور به عذر خواهی شده اند، انواع کمبودها و مطالبات مردم دوباره روی میز قرار گرفته است و شاعران در وصف شیرمردان معدن به ذوق آمده اند. یک اقدام مستقیم کارگری، و نه التماس، فضا را بر روده درازیهای امام جمعه و انواع سردواندن رایج مسئولان بسته است. انتشار خبر در سایت اپلنا دوازده روز پس از شروع اعتصاب نشانه کنترل شدید امنیتی علیه اعتصاب و جلوگیری از انعکاس خبر در سطح جامعه است... صفحه ۲

جواب سازمان بین المللی کار "ILO" چیست؟

یکی دیگر از کنفرانس های سالانه ی سازمان بین المللی کار (آی ال او) که صد و سومین کنفرانس این سازمان است، در اوائل ژوئن امسال در ژنو بر گزار می شود. در این کنفرانس بار دیگر نمایندگان جمهوری اسلامی به نام نماینده کارگران ایران، پذیرفته و شرکت می کنند. شرکت نمایندگان جمهوری اسلامی از جانب خانه کارگر و شوراهای اسلامی و... در کنفرانس سازمان بین المللی کار، ارسال با اعتراض فعالین کارگری و احزاب و نهادهای همبستگی بین المللی کارگری مواجه شده است. امری که هر ساله موجب بی توجهی رهبری آی ال او قرار می گیرد.

این در حالی است که رهبری آی ال او هم بخوبی می داند که طبقه کارگر ایران از حق ایجاد تشکل های مستقل کارگری و حق اعتصاب محروم است. نه فقط این بلکه امروز صفی از فعالین و رهبران کارگری به اتهام مبارزه برای خواسته های برحق کارگری در زندان به سر می برند و بخشا به اتهامات واهی احکام زندان بلند مدت گرفته اند. در ایران تلاش کارگر برای مطالبه دستمزد

کارش هم جرم شمرده شده میشود. تعداد بیشمار اعتراضاتی که برای دریافت دستمزدهای به تعویق افتاده میشود و ماهها تلاش شان بی جواب میماند و نهایتاً با دستگیری و زندان روبرو میشوند حقایق تلخی در مورد زندگی و استثمار کارگر در ایران را نشان میدهد. علاوه بر این حدود ۸۰ درصد از کارگران در ایران با قراردادهای "سفید امضا" استخدام میشوند که بر مبنای آن کارگر در هر مقطعی میتواند اخراج شود بدون اینکه حق دفاع قانونی از خود داشته باشد. مطالبه همگانی برای لغو چنین قراردادهای برده وارا تا این لحظه از طرف دولت تنها با سرکوب و دستگیری و تعرض به تجمعات کارگری جواب گرفته است.

آی ال او این واقعیات را میداند. بی تفاوتی رهبری این سازمان به این امر، زیر پا نهادن منافع بخشی از طبقه کارگر جهانی در ایران و دهن کجی به اصول و پرنسپ های است که قاعدتاً این نهاد بین المللی باید به آن پایبند باشد.

کنفرانس آی ال او قاعدتاً باید مجمع نمایندگان واقعی کارگران کشورهای

المللی کار ربطی به منافع این طبقه ندارد و منفعتی از آن ها را نمایندگی نمی کند.

همچنین کارگران ایران و فعالین و رهبران کارگری از نمایندگان تشکل های کارگری شرکت کننده در اجلاس آی ال او انتظار دارند که در مقابل سیاست و عمل این سازمان سکوت نکنند و حضور نمایندگان دولت جمهوری اسلامی به نام کارگران ایران را در کنار خود نپذیرند و تحمل نکنند و خواهان خروج نمایندگان دولت ایران و حضور نمایندگان واقعی کارگران در این کنفرانس شوند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) ضمن شرکت در اکسیون اعتراضی در روز جمعه ۶ ژوئن در مقابل سازمان ملل در ژنو، بار دیگر حضور نمایندگان جمهوری اسلامی در کنفرانس سالانه آی ال او و پذیرفتن این هیات نمایندگی دولتی از جانب این سازمان را تقبیح نموده و آن را عملی در جهت تضعیف و زیر پا نهادن حقوق و منافع کارگران ایران از جانب این سازمان می داند.

کمیته خارج کشور حزب حکمتیست
(خط رسمی)
۳۰ مه ۲۰۱۴
www.hekmatist.com

حق ندارید ...

دوازده روز را به جویدن ناخن گذرانده اند و کماکان با کنترل شدید به امید پایان اعتصاب دقیقه شماری میکنند. روند رویدادها میتوانست طور دیگری باشد، شورای اسلامی شهر جلو بیافتد و کارگران زیر حفاظت خیر خواهانه شورای اسلامی و به امید راه و چاهی که این جماعت بلدند و با صلوات و اعلام وفاداری به رژیم، جلوی ارکانهای دولتی صف ببندند. چند صد هزار مورد کارگران را سردانده اند تا صدایشان را بگوش مسئولان برسانند! کارگران راه دیگری را در پیش گرفتند.

معادن آهن منطقه چغارت جزو کل سلسله صنایع فولاد است که در لیست اولویتهای خصوصی سازیها قرار گرفته است. از پایان ماه خرداد و با انتشار اخبار خصوصی سازیها فضای اعتراضی بالا گرفت و در چند مورد اعتصاب محدود و در این مدت روشن شدن دروغها و سردواندن گستاخانه مسئولان، راه را برای اعتصاب سراسری و قدرتمند جاری باز کرد. با تمام توطئه بایگوت خیری این

مختلف جهان باشد، نه مجمع نمایندگان دولت و حامیان سرمایه داران این و آن کشور عضو. آیا این حقیقت که خانه کارگر و شوراهای اسلامی و نمایندگان که از جانب این نهادهای دولتی جمهوری اسلامی به کنفرانس آی ال او می آیند، تشکلهایی ضد کارگری اند، بر رهبری آی ال او پوشیده است؟ آیا بر آی ال او پوشیده است که در ایران رهبران و فعالین کارگری و رهبران تشکل های سندیکایی مستقل از دولت مانند سندیکای شرکت واحد و هفت و تپه و... هر باره به بهانه های مختلف تعقیب و دستگیر و زندانی شده و همزمان از کار اخراج می گردند؟ آیا ما باید هر ساله این حقایق آشکار را به سازمان بین المللی کار گوشزد و خاطر نشان کنیم؟

بی توجهی و بی تفاوتی رهبری آی ال او به این حقایق و بی توجهی به اعتراضات مکرر و هر ساله به سیاست و تصمیم این سازمان مبنی بر پذیرفتن نمایندگان دولت جمهوری اسلامی به نام نماینده طبقه کارگر در ایران، موجب بی اعتباری این سازمان نزد طبقه کارگر ایران و فعالین و رهبران کارگری و سندیکاهای کارگری مستقل از دولت شده است. طبقه کارگر ایران و نمایندگان واقعی اش حق دارند اعلام کنند که سازمان بین

تصمیم دارد با خریدن وقت و مواجهه با این سوالات اعتصاب را فرسوده کند. در مورد آینده اعتصاب این خود کارگران و رهبرانشان هستند که تصمیم خواهند گرفت. اما این یک سر سوزن از یک واقعیت این حرکت کم نمیکند: این اعتصاب همه کارگران، اعتصاب کل طبقه کارگر و مستقیماً مربوط به کل صنایع و معادن و کارخانه های تولید فلز است. کجاست حمایتی بی چون و چرای فولاد اصفهان؟ کجاست همبستگی گرم کارگران معادن سنگان خواف که شایعه قرارداد خرید سنگ آهن این معادن بجای

اعتصاب از چند جنبه مهر خود را بر فضای اعتراضی سراسری کارگران در ایران کوبیده است؛ خواستههای اعتصاب ساده است و اعتصاب کل کارگران کارخانه را در برمیگیرد: عقب نشینی دولت از خصوصی سازی و همزمان استخدام رسمی هزار کارگر قراردادی. سرسختی اعتصابیون در مقابل وعده ها و طلب تضمین اجرایی تا همین جا مقامات و امام جمعه و شوراهای اسلامی را دنباله روی خود ساخته است.

قدرت یک اعتصاب پنج هزار نفره، و رهبران آگاه و توانایش در پیشبرد عملی اعتصاب و از دل مذاکرات، و خنثی کردن تهدید حمله دولت تهدیدها تا همین جایک موفقیت عظیم برای کل طبقه ماست. در عین حال کارگران معدن و اعتصاب آنها با سوالات جدی مواجه است. کارگران بیکسباره در مقابل سوالاتی از قبیل خصوصی سازی معدن، آینده معدن، آینده تولیدات صنعتی شهر، مساله رابطه با فولاد اصفهان بعنوان مهمترین خریدار سنگ آهن معدنشان قرار گرفته اند. همه چیز گواه اینستکه دولت



کارگران جهان متحد شوید!

پیروزی دموکراسی ...

محرومین جهان چاره‌ای جز مبارزه برای تغییرات واقعی، تغییرات بنیادین، مبارزه برای زیر و رو کردن این نظام سرتاپا ضدبشیری و این سبک بسته استیصال انتخاب بین بد و بدتر، ندارند. برپایی یک جامعه سوسیالیستی و برقراری آزادی و برابری تحت پرچم کمونیسم طبقه کارگر، تنها چاره محرومین جهان است. در غیاب این آلترناتیو، در همچنان بر همان پاشنه میچرخد.

انزواوی آمریکا

چهارشنبه ۲۱مه، اوپاما یک رویکرد جدید در سیاست خارجی دولت آمریکا را اعلام کرد مبنی بر این که: انزواگرایی آمریکا یک گزینه نیست، هر مشکلاتی راه حلی نظامی ندارد. اوپاما علاوه بر اهمیت تنهایی عمل نکردن دولت آمریکا و همکاری با سایرین، تاکید کرد. این جهت گیری دولت آمریکا نه محصول بلاواسطه فجاج انسانی که چند

دهه است میلیتاریسم غرب به رهبری آمریکا در عراق و لیبی و سوریه می آفریند، که محصول موقعیت واقعی آمریکا بعد از بحران اوکراین و پذیرفتن توازن قوای جدیدی میان قدرت های بزرگ نظامی و اقتصادی جهان است. تحرکات نظامی میلیتاریستی در خاورمیانه، تخریب تمام و کمال عراق، کشتارهای میلیونی بر اثر بمبارانها و تحریم ها و ایجاد باطلاق های مناسب برای رشد انواع دستجات ارتجاعی و جنایی در سرتاسر خاورمیانه و جهان، نظم نوین جهانی و جنگ با تروریسم و جنگ با انواع محور های شر، همه و همه تقلاهایی برای حفظ موقعیت سیاسی، نظامی و ایدئولوژیکی آمریکا بود. موقعیتی که پس از پایان جنگ سرد زیر سوال رفته بود و با عروج قطب های قدرتمند اقتصادی دیگری بخصوص چون چین، و رقابای جدیدی چون اروپا، عملا بر باد رفته بود. خاورمیانه قرار بود حیاط خلوت تمرین قدرقدرتی آمریکا و وسیله

حفظ سرکردگی سیاسی و نظامی آن بر رقبای جهانی، چین و روسیه و هند و اروپا باشد. بحران اوکراین، این جنگ را به پشت در خانه دول غربی کشاند. پاسخ به این سوال که آمریکا اجازه دخالت نظامی در کشوری همچوار روسیه و بخشا در اروپا را خواهد داشت، از پیش منتفی بود. پروپاگانداها و خط و نشان کشیدن های اوپاما در مورد دخالت در کیس اوکراین، موضوع شوخی مطبوعات خود آمریکا بود. بحران اوکراین، ایست اروپا به آمریکا در مورد دخالت در بحران های نظامی در اروپا، سوت پایان آقایی تنهایی بر جهان را برای آمریکا به صدا درآورد. این آن انزواوی است که اوپاما آمریکا را از آن برحذر میکند. آمریکا از این پس نمی تواند بدون اروپا و روسیه و چین و هند و ... به تنهایی بر جهان حکمفرمایی کند. پایان جهان دو قطبی با پایان تلاش آمریکا برای حفظ جهان یک قطبی به رهبری آمریکا، مدتها است که تمام شده است.

زنان در جنگی ...

محمد ساعد ابوبکر سوم، رهبر دینی مسلمانان نیجریه این عمل را محکوم کرد و گفت: «در اسلام جایی برای تروریسم وجود ندارد!»

اسلامیون و میشل اوپاما ریاکارانه ماسک انسان دوستی را به چهره زده اند. این نهایت دست کم گرفتن شعور انسان هاست.

این دختران اسیرانی هستند که قربانی خشونت های مذهبی و اسلام گرایان شده اند. بوکوحرام هر روز برای گروگان هایش که همگی زن هستند، هرزمان تصمیمی میگیرد گاه تهدید می کند که گروگان ها را به عنوان بردگان می فروشد و یا باید در گروه بمانند و با اعضای بوکوحرام ازدواج کنند. این واقعیت اسلام و مذهب است که برای زن پیشیزی ارزش قابل نیست و زن در اسلام برده است و جز، غنایم جنگی محسوب می شود.

فرمان "جهادالنکاح" در سال ۲۰۱۳، نیز بازتاب گسترده ای داشت. زنان مسلمان از سوی مفتی - وهابی آنقدر تشویق و مسخ می شدند تا به امید به بهشت رفتن خود را در اختیار جهادگران سوری قرار دهند و این زنان مورد تجاوز مکرر جنسی قرار می گرفتند.

جمهوری اسلامی هم همین کار را می کند، با قدرت سرکوبگری و شریعت اسلامی،

زنان را وادار به انقیاد می کند. فردی بنام هادی شریفی در رسانه خبری وزارت اطلاعات بنام تسنیم درباره آزادی های پوششی و برداشتن حجاب زنان می گوید: چون زن زیبایی هایش را به نمایش گذاشته، اگر مرد با عریانی های وی تحریک شود دلیلی ندارد برای رفع میل جنسی خویش از زن اجازه بگیرد پس چیزی بنام تجاوز معنا پیدا نمی کند "حق التذاذ مرد در قبایل حق عریانی زن" و تجاوز به زن بی حجاب را آزاد می داند.

صحبت های اخیر هادی شریفی بی شباهت به حرف های شیخ سلفی احمد محمود عبدالله نیست که در مورد شرکت زنان در اعتراضات مصر گفت: زنان معترض در میدان تحریر بی شرم و حیا و خواهان تجاوز هستند. به اعتقاد وی زنانی که به میدان تحریر می روند لخت هستند و هدف آن ها این است که به آن ها تجاوز شود!

تمام این اتفاقات و گفته ها در دنیا، نشان می دهد که چقدر این دیدگاه ها و رفتار خشونت بار علیه زنان به هم نزدیک است و منافعی مشترکی دارند و چقدر زنان در جای جای دنیا دردها و معضلات و مطالبات مشترکی دارند؛ هرکدام از این گروه های اسلامگرایان با افکار پوسیده به زبان و روشی، قصد به انقیاد کشیدن و استثمار زن را دارند.

بوکوحرام اگرچه با گروگانگیری برای

بسیاری از ما شناخته شد و بر سر زبان ها افتاد ولی اینان یک شبه از زیر بوته سردرنیاورده اند. این گروه افراطی و سازمان یافته از دل گروه القاعده نشأت گرفت و هر دو گروه با دیدگاهی کاملا مشابه و پسرقتگرایانه خواهان تعطیلی مدارس و تحمیل قوانین شریعت هستند و زنان و کودکان را به اسارت میگیرند، تجاوز می کنند و بسیاری از خانه ها همراه با سکنه اش را به آتش می کشند.

گزارش های سازمان ملل، روزنامه گاردین و منابع بسیار دیگر نشان می دهند که چگونه بوکو حرام، از القاعده نشأت گرفته و از طرف عربستان سعودی مورد حمایت مالی و تسلیحاتی و آموزش های نظامی قرار میگیرد. اکنون دولت آمریکا از زبان میشل اوپاما برای دختران گرو گرفته شده اشک تمساح می ریزد و گروگانگیری دختران محصل را توسط گروه بوکوحرام محکوم می کند و سرباز و هواپیماهای شناسایی و بدون سرنشین به منطقه می فرستد. این در حالی

است که خود این ها سازماندهندگان اولیه القاعده و طالبان در افغانستان بوده اند و در نتیجه ی سیاست های کشورهای سرمایه داری از جمله آمریکا و اروپا، ارتجاع و بنیادگرایی مذهبی رشد چشمگیری پیدا کرده است.

همه این واقعات تلخ نشان می دهند که مبارزات زنان برای راهی با چه دشواریها و راه سختی مواجه است. زنان و دختران جوان علاوه بر استثمار اقتصادی از جانب سرمایه داران، با انواع ستم جنسی دیگر از جمله تعرض باندهای سیاه مذهبی و اسلامی به حقوق و ازادیاها و حرمت انسانی شان روبرو هستند.

راه نجات زنان و بشریت امروز، به مبارزه ای گسترده و عمیق و همه جانبه علیه نظام سرمایه داری و ایدئولوژی گنبدیده و فاسد مذهبی، نیاز دارد. تنها در جامعه سوسیالیستی و آزاد و برابر، زنان و کل بشریت از نکتب نظام سرمایه داری و ارتجاع مذهبی نجات می یابند.

ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد.

یک دنیای بهتر - برنامه حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

زنده باد سوسیالیسم

مرکز بر جمهوری اسلامی

وقتی به اتاق ...

جنبه های فرهنگی و تکان دهنده چهره کثیف و عقب مانده جمهوری اسلامی، هرچند صورت شنیع تر و نفرت انگیزتری به ستم بر زن در جامعه و خانواده می دهد اما به تنهایی قادر نیست منشا تداوم ستمکشی زن و مطلوبیت بازتولید آن را توضیح دهد. زبان، فرهنگ و تمایلات آسمانی این عمارت ایدئولوژیک در برخورد به مسله زنان، حقیقتاً آینه تمام قد منافع اقتصادی و "مشروع" بخش اعظم بورژوازی ایران است. اصل اساسی سرمایه چیزی نیست جز بازتولید نیروی کار حراج در پروسه تولید ارزش اضافی؛ هر چقدر هم با حقه مذهب بزرگ اش کنید از آن زدوده نخواهد شد؛ تمام فلسفه سرکوب زنان و خط و نشان کشیدن های هر روزه این رژیم، با توسل به رویای متحجر اسلامی - ایدئولوژیک آن را نه در فرهنگ رهبر مخوف و ریس جمهور مشعوف بلکه باید در چهارچوب قانون کثیف سودآوری سرمایه جستجو کرد. همین نیاز به سود است که امروز ترهات سیاست جمعیت و فرهنگ رجاله پروری در سایه قوانین حکومت خدا را باز تولید میکند و جناح های حکومت را بر سر سهم خواهی از این بازدهی به پارس کردن انداخته است. آموزش های پیش از ازدواج حذف می شود، وازکنومی دیگر به صورت دلخواه انجام نمی شود، زایمان طبیعی رایگان می شود، مهد کودک ها تعطیل میشوند و ده ها طرح و لایحه دیگر در راه اند؛ تا بر این اساس، کمربندها را جهت تحمیل بیشتر یک دور دیگر از انباشت سرمایه بواسطه تولید فرهنگ خشونت و خرافه سیستماتیک دولتی علیه طبقه کارگر و زنان این طبقه، سفت تر کنند. بی خود

نیست که هر متفکر و تنورسین بورژوا بر بستر این کاروان فرهنگی، به "کشف زن و مزیت خانواده و کیفیت شیر مادر و فسنجون مادر بزرگ می رسد تا تماماً هزینه بازتولید نیروی کار را بر کرده زن خانه دار بندازند. حقیقت اینست که امروز ورود زنان به موقعیت تولید در جامعه برای دولت و سرمایه دار ایرانی خرج دارد و لذا چوب لای چرخ سودآوری بیشتر سرمایه می گذارد؛ چرا که برای نمونه، دولت را مجبور میکند که کار خانگی را بصورت اجتماعی سازمان دهد و وظیفه بچه داری را از دوش زن بر دارد. از این پس چه کسی مجانی و بدون مزد، پخت و پز کند، و به نسل آینده کارگران برسد؟ چه کسی جارو بزند و بدوزد؟ لذا بحران زنان طبقه کارگر در جامعه اگر مهار نشود، میتواند دولت را بعنوان ارگانی که بالای سر کارفرما ایستاده است موظف به ایجاد تسهیلاتی کند که امکان ورود زنان به عرصه تولید اجتماعی را بوجود آورد. معنی این تسهیلات و مطالبات برای دولت و سرمایه دار در حوزه کار ارزان کشوری مانند ایران یعنی خودکشی! اینجاست که دولت بورژوایی در ایران هر رنگ و فرمی (چه مذهبی، چه غیر مذهبی) بخود گیرد باید بتواند بازتولید استبداد و ستمکشی زن را به اشکال مختلف و بنا به ضرورت آن در هر دوره معین، تضمین و تامین کند تا هزینه بازتولید نیروی کار توسط زن خانه دار مجانی شود و سودآوری سرمایه را چند برابر کند.

و اما سر خوردن جامعه مدنی "چی ها روی پوست خریزه"

افق این دوستان دروغین در برخورد به مسله زنان، افق معامله فرهنگی و چانه زنی با دولت و مجلس است. تاریخا این نخبگان

به معرض نمایش گذاشته می شوند تا در کمال آرامش میلیون ها نفر در خانه برده بی مزد بمانند و با وقاحت تمام روبروی دوربین "در شبکه های عظیم رسانه ها نشان پرچم تغییر تدریجی قوانین را برافرازد. این سمت گیری چیزی نیست جز رسمیت دادن به موقعیت فرودست اقتصادی زن در خدمت رفع کاستی های توسعه سرمایه و سودآوری بیشتر آن از کرده طبقه کارگر.

واقعیت اینست که دوره حاضر میتواند سر آغاز یک تفکیک سیاسی و طبقاتی جدی در جنبش زنان باشد. لیبرالیسم حاکم بر فضای فکری ایران به اندازه کافی ماتریالی فکری در اختیار این طیف مبلغ شدیداً متعهد به اصلاح طلبی، گذاشته است که سخنگویان آن متکلم الوحده شوند.

در فضای پر از تبعیض و استعمار کنونی و تعرض وحشیانه سرمایه داری به حیات اکثریت مردم بویژه زنان، میتوان به میدان آمد و قوانین اقتصادی و اجتماعی را به نفع زنان تغییر داد. میتوان علیه خشونت در حق زنان ایستاد، میتوان به دین و قوانین مذهبی افسار زد، میتوان علیه مردسالاری به مبارزه برخاست، می توان از کاهش دستمزد زنان جلوگیری کرد، میتوان آپارتاید اجتماعی علیه زنان را درهم ریخت، می توان برای مقابله با کارخانگی زنان، بیمه بیکاری مکفی را از حلقوم سرمایه داران بیرون کشید. باید به منشا ستم بر زنان آگاه شد و زنان را برای رفع این ستم بسیج کرد و بمیدان آورد. جنبش زنان یک جنبش جهانی و با مطالبات جهانشمول است و به قدمت وجود نظام سرمایه داری است. مصایب و معضلات زنان در جهان امروز پیش از هر زمانه دیگر در پیوند مستقیم با کارکرد نظام سرمایه داری است. اگر قرار است موقعیت زن تغییر کند، این مبارزه باید از موقعیت فرودست اقتصادی زن بر خیزد و به توده عظیم طبقه کارگر متکی شود؛ تنها راه قطعی رهایی کامل و همه جانبه زنان، آگاهی و اتحاد طبقه کارگر، از میان برداشتن پول، سرمایه، کار مزدی، استثمار و برقراری سوسیالیسم است.

سرخف بعد از سالها حقه های کثیف و بی وقفه، از دوره دو خرداد و خاتمی و جنبش سبز تا امروز که زیرعبای آسید روحانی مشغول جوییدن ناخنهایشان اند، به "تغییر قانون اساسی جمهوری اسلامی از درون دل خوش کرده اند. اینها خود یک عامل سر دواندن و به بیراهه بردن زنان حق طلب و رادیکالیسم جنبش حق خواهی زنان بوده اند و اعتراض بحق این جنبش را دستمایه نزاع و کشمکش خود با جناح رقیب بر سر سهم بیشتری از چپاول اقتصادی و دخالت در دستگاه سیاسی دولت کرده اند. می پندارند دیگران متوجه ارتزاق شان از پشت پرده های منقوش به دروغ نمی شوند! اینها شیپور به دهن گرفته و جار میزنند که جنبش زنان "جنبشی است" در راستای جنبش اصلاحات، "دموکراسی و اعتدال و با پرهیز از خشونت، با تلاش برای تغییر تدریجی قوانین، حرکتی است آرام و عمیق ... پسند و اندرز به قربانیان خشونت حکومت اسلامی مبنی بر پرهیز از خشونت، به اندازه کافی ساده لوحانه هست که صاحبان این موضع سیاسی را در نقطه ای شکننده قرار دهد. هیچکدام از این نیروهای منتسب به این سنت تا به حال نشان نداده اند که چگونه و با کدام تغییرات میخوانند کاری کنند که مبنای تغییری جدی در موقعیت زن در جامعه ایران قرار گیرد. مبنای این ملقمه اعتدال، بر سمت گیری کار فرهنگی استوار است. بر این اساس که مشکلات زن در جامعه ایران نه ناشی از کارکرد سرمایه داری، بلکه ناشی از "سنت های غلط است. در نزد این جماعت، اهداف اقتصادی و شناخته شده طرح هایی چون "افزایش جمعیت" در کمال آرامش قیچی می شود و تنها کاستی های فرهنگی

Mansoor Hekmat Week 2014
4-11 June
در بزرگداشت زندگی پربار منصور حکمت
هفته منصور حکمت ۱۴ - ۲۱ خرداد
برنامه های هفته حکمت در دفاع از یک زندگی پربار

کلی: روز ۷ جون
آذر مومنی: منصور حکمت و نقد مارکسیستی از سرمایه
مهد حسینی: منصور حکمت و حزب کمونیستی کارگری و مختصات آن
تلفن تماس: محمد رسانی: ۰۰۹۱۱۶۶۶۶۰۰۶۰۳

استفکله: ۷ جون
مصطفی اسلمپور: لنین در تئوری و سیاست منصور حکمت
تلفن تماس: آسو فتوحی: ۰۰۹۶۷۳۹۸۸۱۴۸

لندن
امان کدا: همکاری تغییر و واقعیت
مقتر محمدی: منصور حکمت و مبارزه مسلحانه توده ای
تلفن تماس: نظیره محمدی: ۰۰۹۶۷۳۹۸۸۱۴۸

www.hekmatist.com
سردبیر: فواد عبدالملی
fuaduk@gmail.com
تماس با حزب
hekmatistparty@gmail.com

حکمتیست هفتگی را بخوانید و آنرا وسیعاً توزیع کنید.

زنده باد انقلاب کارگری